

هو الله تعالى شأنه لحكمة ولبیان

یا اسم جود عَلَیْكَ بِهَائِي، نامه جناب عندلیب عَلَیْهِ بِهَائِي که بشما ارسال داشت تلقاء وجه قرائت شد، الحمد لله بافق اعلى ناظرند و بذکر و ثنا ناطق وبر خدمت قائم، اینکه در اتفاق و اتحاد نجمین عَلَیْهِمَا بِهَائِي وَ عِنَائِي وَ رَحْمَتِي نوشته اند افق حزن بنور سرور لائح و ساطع نَسْئَلُ الله أَنْ يَجْعَلَ أَعْمَالَهُمَا وَأُورَادَهُمَا كُلَّهَا وَرَدًا وَاجِدًا وَحَالَهُمَا فِي خِدْمَتِي سَرْمَدًا، اینکلمه مبارکه از سلطان وجود یعنی خاتم انبیا است که بعلى تعليم فرموده، لله الحمد خود را فَيَسْبِيْلِ اللهِ اتفاق نموده اند، از اول آیام فائز گشته اند و کاس عرفانرا از ایادی عطاء مولى الادیان نوشیده اند هَنِيئًا لَهُمَا وَ مَرِيئًا لَهُمَا، و اینکه از بعضی نوشته اند که باوهامات خود ناطقند و بغير ما أَرَادَهُ اللهُ متمسک نفوسی هستند که از اعمالشان شجره رجا قطع شده، از قبل در کلمات مکنونه فرموده ایم (ايخاك متحرک من بتو مانوسم و تو از من مایوس سیف عصیان شجره امید ترا بریده و قطع نموده در جمیع احیان بتو نزدیکم و تو در جمیع احوال از من دور من عزت بیزوال از برای تو اختیار نمودم و تو ذلت بیمنتهی برای خود پسندیدی آخر تا وقت باقی مانده رجوع کن و فرصترا مگذار)، یا اسم جود حق عالمست بعضی اعمالیرا ارتکاب نموده اند که عین انصاف گریست و حنین قلب مرتفع گشت امثال آن نفوس لا زال باو هام متکلم، در عهد خاتم انبیا هر یوم معدودی بِأَهْوَائِهِمْ ناطق لا زال امثال آن نفوس بوده و هستند، از حق میطلبیم کلرا هدایت فرماید و از بحر دانائی محروم ننماید، امروز هر چیزیرا طالب مشاهده میشود مگر لئالیء ثمینه که از خزانه قلم اعلى ظاهر و باهر است بیمشتری مانده طالب مفقود مشتری غیر موجود و لکن وقتی آید که مردمان بجان گوهر بحر بیانرا خریدار شوند، اولیاء آن ارض طرًا را تکبیر میرسانیم، یا حزب الله استقامت محبوبست باید کل بشانی ثابت و راسخ باشید که از قواصف ایام و عواصف او هام حرکت ننمائید، نفوسیکه بغير اراده حق تکلم مینمایند هر نفسی از اقوال و اعمالشان شهادت میدهد بر خسارت آن نفوس، یا أولیائی لا تحزنوا من شیءٍ و عمّا يتكلم به الجاهلون أولئك يتحرکون بأهوائهم نَسْئَلُ الله أَنْ يُؤَيِّدَهُمْ عَلَى الرَّجُوعِ إِنَّهُ هُوَ الْمُقْتَدِرُ الْمُهَيِّمُ الْقَيُّومُ.